

مَجْمُوعَةُ مَصْنُفَاتِ الْقَاضِي سَعِيدِ الْقُتَيْبِيِّ - ٢

شَرْحُ الْأَبْعَيْنِ

لِلْعَالِمِ الرَّبَّانِيِّ وَالْعَارِفِ الصَّمَدَانِيِّ

الْقَاضِي سَعِيدِ الْقُتَيْبِيِّ

(١٠٤٩ - ١١٠٧ هـ)

صَحَّحَهُ وَعَلَّقَ عَلَيْهِ

نُجْفَتَانِي جَبِّي



شرح الأربعين

تأليف: القاضي سعيد محمد بن محمد مفيد القمي (١٠٤٩ - ١١٠٧ هـ)

صححه وعلق عليه: نجفلي حبيبي

الناشر: ميراث مكتوب

الطبعة الاولى: ربيع ١٣٧٩ ش / ١٤٢٠ ق / ٢٠٠٠ م

الطبعة الثانية: خريف ١٣٧٩ ش / ١٤٢١ ق / ٢٠٠٠ م

العدد: ١٠٠٠ نسخة

ISBN 964-6781-34-9

الليتوغراف: نقره آبي

المطبعة: مؤسسة الطباعة والنشر التابعة لوزارة الثقافة والإرشاد الإسلامي

عنوان الناشر: ص. ب. ٥٦٩ - ١٣١٨٥، طهران، جمهورية إيران الإسلامية

هاتف: ٦٤٩٠٦١٢-١٣ / فاكس: ٦٤٠٨٧٥٥

E-mail: MirasMaktoob@apadana.com

<http://www.apadana.com/MirasMaktoob>

قاضي سعيد قمي، محمد سعيد بن محمد مفيد، ١٠٢٩ - ١١٠٢ ق.

[الأربعون حديثاً]

شرح الأربعين / القاضي سعيد محمد بن محمد مفيد القمي؛ صححه وعلق عليه نجفلي حبيبي - تهران:

مركز نشر ميراث مكتوب، ميراث مكتوب، ١٣٧٩.

٥٥٦ ص. - نمونه - (ميراث مكتوب: ٧٤ علوم و معارف اسلامي: ١٨. مجموعة مصنفات قاضي سعيد

القمي: ٢)

ISBN 964-6781-34-9

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیبا

Surh al-Arba'in.

ص. ع. لاتینی شده:

عربی.

کتابنامه: ص. [٥٥٢] - ٥٥٦: همچنین به صورت زیر نویس.

چاپ دوم: ١٣٧٩.

١. أربعینات - قرن ١١ ق. ٢. احادیث شیعه - قرن ١١ ق. الف. مرکز نشر میراث مكتوب.

ب. حبیبي، نجفلي، ١٣٢٠ - مصحح. ج. عنوان.

٢٩٧/٢١٨

٢ الف ٢ ق / ١٣٢٢ BP

١٨٥٨٦ - ٧٨ م

کتابخانه ملی ایران

فهرس موضوعات الكتاب

١٧	مقدمة مصحح
٤٩	مقدمة المؤلف
٥١	الحديث الأول: إِنَّ لِلَّهِ عَزَّ وَجَلَّ عَمُوداً مِنْ يَاقُوتَةٍ
٥٢	تطبيق
٥٤	مباحث لفظية فيها إشارات حكمية
٥٤	البحث الأول - ما يتعلق بلفظة الجلالة وفيه مقامات
٥٤	المقام الأول - فيما يتعلق بالاشتقاق
٦٠	تذنيب فيه تحقيق - في بيان مسلك أهل الإشارات في لفظة الجلالة
٦١	المقام الثاني - في إطلاق لفظة الجلالة
٦١	أدلة القائلين بعلمية لفظة الجلالة
٦٣	أدلة المانعين من العلمية
٦٦	تكملة - في أَنَّ «اللَّهُ» اسم للموجود الحق و يجري مجرى الأعلام
٦٧	إشارات - في أسرار و لطائف لفظة الله
٦٨	البحث الثاني - في تحقيق معنى كلمة «لا إله إلا الله»
٦٨	الفصل الأول - في تحقيق خبر «لا»
٧٢	الفصل الثاني - في دفع توهم أن مدلول الكلمة الشريفة غير مطابق للموجود
٧٥	مباحث عقلية فيها أسرار إلهية
٧٥	الأول - في حقيقة الذكر
٧٥	الثاني - في دلالة كلمة «لا إله إلا الله»

- الثالث - روايات في فضيلة الذكر ٧٦
- تنوير عرفاني - في أن كلمة «لا إله إلا الله» أفضل الأذكار ٧٦
- إشارة - نقل كلام بعض أهل السلوك في فضل الكلمة الطيبة ٧٨
- هداية فيها دراية - في المراد من الذكر المطلوب ٧٩
- سرّ إلهي - نقل كلام بعض الأعلام في بيان كيفية سريان الذكر في جميع
الموجودات على الطريقتين ٨٠
- الطريقة الأولى و هي طريقة الحكمة النظرية ٨٠
- الطريقة الثانية و هي طريقة الحكمة المتعالية ٨١
- تحقيق كشفي - في إثبات الشعور و الإدراك لجميع الموجودات ٨٢
- حكمة ذوقية - في أن جميع العناصر و الجمادات و... يسبحونه تعالى ٨٤
- إرشاد - في بعض الأذكار الشريفة ٨٥
- الحديث الثاني: الله غاية من غيائه و المغيبي غير الغاية** ٨٧
- خلاصة - نقل كلام القنوي ٩٠
- تحقيق عرفاني - في أن الصفة - عينية كانت أو زائدة - غير الموصوف ٩١
- انتقاد - في أن الوجود مشترك لفظي بين الواجب و الممكنات و أن الصفات
راجعة إلى السلوب ٩٤
- تذنيب - في أنه تعالى شيء لا كالأشياء و موجود لا كالموجودات ٩٩
- إيقاظ - في أن اسم «الرحمن» كاسم «الله» جامع لجميع الأسماء ١٠٠
- إيماض - في بيان التوحيد الخالص ١٠٠
- الحديث الثالث: هو عزّ و جلّ مثبتّ موجود لا مبطلّ و لا معدود** ١٠١
- في صفاته و نعوته تعالى و الفرق بينهما ١٠٢
- نقل كلام صاحب اثولوجيا في أن العالم الأعلى في غاية التمام ١٠٦
- الحديث الرابع: إن الله تبارك و تعالى خلق اسماً بالحروف** ١٠٩
- تحقيق إلهامي - في البرهان على أن العقل كل الأشياء ١١٧
- نهر كشفي - وجه ترتيب الصفات التي لها مدخل في الإيجاد ١١٨
- إشراق ربّاني - في أن الأملاك الأربعة نفوس نورية لاقول قادمة ١٢٠
- فائدة عرشية - في إثبات الترتيب لمراتب الملائكة الأربعة أي إسرافيل و... ١٢٢

مقدمه مصحح

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله الذي لا يبلغ مدحته القائلون، و لا يحصي نِعَماءه العادّون، و لا يؤدّي حقّه المجتهدون،
الذي لا يُدرّكه بُعدُ الهِمَم، و لا يتألّه غوصُ الفِطَن^١.
و الصلاة و السلام على سيد الرسل محمد المصطفى و آله الذين هم مصابيح الهدى.

ترجمه قاضی سعید قمی

قاضی سعید قمی از جمله بزرگانی است که شرح حال او تا حدود غیر متعارفی در کتب
تراجم مورد غفلت قرار گرفته است و علت آن بدرستی روشن نیست و حد اقل به دو احتمال
می توان اشاره کرد:

یکی اینکه او برخلاف رسم جاری زمانش با اینکه با دربار سلاطین صفوی مرتبط بوده است
از تقدیم کتب و آثار خویش به شاهان خود داری کرده و در آغاز آثارش از هیچ شاهی یا امیری نام
نبرده است و بعید نیست با توجه به فضای فرهنگی موجود و نفوذ دربار و درباریان، همین
بی اعتنائی به ارباب قدرت، یکی از عوامل این تغافل بوده باشد.

احتمال دوم این است که قاضی سعید به تصوف متهم شده بود و با توجه به نفوذ
اخباریگری و رواج ضدیت با صوفیگری شاید این اتهام سبب چنین غفلت غیر متعارف شده
باشد که احتمالاً سبب این تهمت نیز همان پرهیز وی از اصحاب سلطه بوده است که با این
تهمت عامه پسند خواسته اند او را از صحنه خارج کنند.

١. نهج البلاغة، الخطبة الأولى.

به هر حال، تدوین ترجمه جامع که بر آراء علمی او نیز مشتمل باشد نیازمند مجاهدت علمی و تحقیق و تفحص بسیار از لابلای کتب مختلف و از جمله آثار خود قاضی است و این مهم در گرو نشر علمی آثار او است که هنوز کاملاً عملی نشده است.^۱

در حد توان و فرصت فراهم شده با تتبع در منابع مختلف اعم از کتب تراجم و تاریخ و آثار خطی قاضی سعید، شرح حالی به مراتب کاملتر از آنچه قبلاً انجام شده بود در مقدمه مجلدات سه گانه شرح توحید صدوق به تفاریق آورده‌ام^۲ و در اینجا تکرار آن مطالب را لازم نمی‌دانم.

۱. از آثار قاضی سعید قمی تاکنون آثار زیر به ترتیب تاریخی به زیور چاپ آراسته شده است:
 - ۱- رساله «حقیقة الصلاة» یا «مقالة التوحید» در حاشیه شرح هدایه ملاصدرا چاپ سنگی در ۱۳۱۳ ق.
 - ۲- شرح اربعین (همین کتاب) چاپ سنگی در ۱۳۱۵ ش / ۱۳۵۵ ق.
 - ۳- کلید بهشت بتصحیح مرحوم استاد سید محمد مشکوة در ۱۳۱۷ ش (۴). چاپ دوم ۱۳۶۲ ش.
 - ۴- اسرار عبادات (عربی) بتصحیح سید محمد باقر سبزواری، انتشارات دانشگاه تهران ۱۳۳۹ ش.
 - ۵- تعلیقات اثولوجیا بتصحیح استاد سید جلال الدین آشتیانی، انجمن فلسفه ایران، ۱۳۵۶ ش.
 - ۶- شرح توحید الصدوق بتصحیح نجفقلی حبیبی، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، جلد اول ۱۳۷۳ ش. جلد دوم ۱۳۷۴ ش. جلد سوم ۱۳۷۷ ش.
 - ۷- الفوائد الرضویه همراه با تعلیقات حضرت امام خمینی (ره)، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۵ ش / ۱۴۱۷ ق.
۲. اهم این منابع عبارتند از:

مجلدات سه گانه شرح توحید صدوق.

شرح الاربعین (همین اثر).

سایر رسائل قاضی سعید که اکثراً خطی است.

تذکره نصر آبادی اثر محمد طاهر نصر آبادی از معاصران قاضی سعید قمی، تألیف شده بین سالهای ۱۰۸۳ - ۱۰۸۶ ق. تصحیح وحید دستگردی، تهران ۱۳۱۷ ش. ص ۱۶۷.

روضات الجنات اثر سید محمد باقر خوانساری، جزء ۴، انتشارات اسماعیلیان، قم ۱۳۹۱ ق. ص ۹.

طرائق الحقائق، تصحیح محمد جعفر محجوب، انتشارات سنائی تهران، مجلد ۳، ص ۱۶۲.

ریحانة الأدب اثر محمد علی مدرس تبریزی، انتشارات شفق، تبریز ۱۳۶۹ ق. مجلد ۴، ذیل کلمه «قاضی»، ص ۴۱۲.

هدیه الأبواب، اثر محدث شیخ عباس قمی، انتشارات امیرکبیر، تهران ۱۳۶۳ ش. ص ۲۳۶.

الذریعة الی تصانیف الشیعة، اثر قَیم شیخ آقا بزرگ تهرانی، نجف ۱۳۵۵ ق. ذیل اسامی مصنفات قاضی سعید قمی، از جمله جلد اول، ذیل «الأربعون حدیثاً» ص ۴۱۷ و جلد ۱۳ ذیل شرح التوحید، ص ۱۵۳ و موارد

در کتب تراجم به تاریخ تولد قاضی سعید قمی اشاره‌ای نشده است اما با ملاحظات آنکه در مقدمه جلد اول شرح توحید بیان شد در ۱۰۴۹ ق. متولد شده است^۱ و بطور قطع تا ۱۱۰۷ ق. زنده بوده و مستند این سخن در مقدمه مذکور^۲ آمده است.

قاضی سعید قمی بطور قطع - با توجه به تصریحات مکرر خود - در محضر ملارجب علی تبریزی در فلسفه، و محضر ملامحسن فیض کاشانی به تعبیر خود در «علوم حقیقه»، شاگردی کرده است. و در این میان تأثیر فیض کاشانی بر او بمراتب بیش از تبریزی است حتی از آثار بر جای مانده^۳ چنان بر می آید که قاضی سعید در آغازی که می‌خواسته پا در طریق عرفان و سلوک گذارد نامه‌ای به فیض کاشانی نوشته و از او دستور خواسته است، و فیض طی پاسخی لطیف آداب سیر و سلوک و خصائص سالکان راه حق را برای او بیان کرده است.

به لحاظ فوائد مترتب بر این نامه‌ها در شناختن قاضی سعید و نیز استادش فیض از نظر روحی و فکری و کیفیت بیان و قوت ادبی و تسلط بر نوشتن به زبان فارسی، این هر دو نامه را - به ضمیمه نامه‌ای دیگر که قاضی پس از دریافت پاسخ فیض برای او فرستاده - که هر سه ضمن مجموعه مکاتیب فیض در جنگ شماره ۴۶۰۲ دانشگاه تهران (فهرست ۱۴: ۳۵۳-۳۵۴) آمده است در اینجا می‌آوریم.^۴

←

دیگر.

ریاض العلماء اثر میرزا عبد الله افندی، قم ۱۴۰۱ ق. ج دوم، ذیل ترجمه رجبعلی تبریزی، ص ۲۸۴.
مقدمه سید محمد مشکوة بر کلید بهشت که تا زمان خود کامل ترین و مفصل ترین و محققانه ترین است.
تاریخ دارالایمان قم، اثر محمد تقی بیک ارباب، تصحیح مدرسی طباطبائی، باب ۱۵، ص ۹۵.
خلاصة البلدان، اثر صفی الدین محمد بن محمد هاشم حسینی قمی، معاصر و به احتمال قوی از شاگردان قاضی سعید قمی، تألیف شده در ۱۰۷۹ ق. تصحیح مدرسی طباطبائی، ص ۲۴۰.
نامه های فیض کاشانی، گردآورده برادر زاده فیض، خطی ش ۴۶۰۲ کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران (در باره نامه های قاضی به فیض و پاسخ فیض) چاپ شده در مجله وحید سال ۱۱ (۱۳۵۲ ش)، ش ۶، ص ۶۶۷ - ۶۷۸، تصحیح مدرسی طباطبائی.
۱. شرح توحید صدوق، ج ۱، مقدمه مصحح، ص ۲ - ۳.

۲. ج ۱، ص ۴.

۳. نامه‌های فیض کاشانی، گردآورده برادر زاده فیض، خطی ش ۴۶۰۲ کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران این نامه‌ها را مدرسی طباطبائی تصحیح کرده است و در مجله وحید سال ۱۱ (۱۳۵۲ ش)، ش ۶، ص ۶۶۷ - ۶۷۸، چاپ شده است.

۴. ما ضمن مشاهده و مطالعه نسخه خطی جنگ مذکور، متن نامه‌ها را از مجله وحید که بدان اشاره شد با

نامه نخستین از قاضی سعید است به فیض و عنوان آن در مجموعه مکاتیب مزبور چنین است: «کتب الفاضل الطیب السدید میرزا محمد سعید إلى العارف الرباني العالم الإلهي في شهر سنة ۱۰۵۵...»^۱.

دومین نامه پاسخی است که فیض بدو داده است.

نامه سوم نیز همان است که قاضی پس از دریافت پاسخ فیض نوشته است.

در نقل متنها مواردی با تردید خوانده شده که با نشان سؤال و مواردی نیز خوانا نبوده است که با نشان حذف مشخص شده است.

نامه ۱ (از قاضی سعید به فیض کاشانی)

این رقیقات پریشان و کلمات شکایت بنیان نه از مقوله نامه پردازی ادیبان است (؟) بلکه در حقیقت بر سیاق عریضه‌ای است که بیماران به امید استعلاج به مسیحادمان نویسند و چاره امراض خود طلبند. پس اگر به ذکر تفصیل جزئیات امراض ... خوفاً للاطناب نپردازند در بیان کلیات احوال بر سبیل اجمال و حواله استنباط جزئیات به حدس طبیب حاذق معذور خواهند بود. و اگر باخواست ایجاز بی حواس بنا بر عدم انتباه اطنابی واقع شود بر ضعف قوه عاقله که از انواع امراض است حمل باید فرمود. بعد از آن در مقام تداوی قوه عاقله آمده، به مقتضای صواب نسخه علاج - که عبارت است از جواب - خواهند نوشت تا به برکت آن تشفی حاصل شود - إن شاء الله الحکیم - تا به حد تمیز رسیده و گرفتار علایق جسمانی و مشاغل دنیوی که ظاهر است نشده، نقد فرصت که ذخیره ایام حساب و دستاویز راه نجات است نسبت به امور ضروری کلی مصروف (؟)، که تقصیر است در بازار با شایستگی سرمایه اسراف و تبذیر.

ذهمی غفلت که چشم از نقطه اعتدال که مردمک دیده استقامت احوال است پوشیده داشت و خود را در همه امور از ندانستگی، دانسته در معرض کشاکش افراط و تفریط انداخت. از نابدلی پای بینش در سفر آغاز به انجام از سیر بر خط مستقیم که

←

تصحیح اغلاط چاپی و اعمال پاره ای اصلاحات نقل کرده‌ایم.

۱. این تاریخ قطعاً اشتباه است چون قاضی در این تاریخ حد اکثر هفت ساله بوده است. احتمالاً این خطا ناشی از اشتباه ناسخ است.

در حقیقت صراط قویم است پیچیده، لاجرم در دائره خطوط منحرفه که در طریقت تباهی و گمراهی است افتاده، گاهی به پایه افراط، خود را در اوج جهالت می بینم و گاهی در مهبط تفریط در اسفل السافلین بطالت سیر می کنم. طرفه تر آن که به کمال این سرگردانی و نقصان رؤیت، به واسطه تدافع ادله و تکاثر اسئله و عدم اعمال قوه عقلیه - که از استعمال سایر قوای متخالفه او ناشی شده - به خاطر می رسد که قطع نظر از طریقه نظر باید کرد و از صناعت میزان که معیار حق و باطل است چشم پوشید و مسلک برهان را تنها راه یقین ندانست بلکه در اکثر مواقع از مکاشفه و وجدان استعانت باید طلبید، و چون در این طریقه نیز مکاشفات متعارضه می باشد و امری که ممیز حق از باطل باشد - چنانچه منطقی در علم نظر این کار می کند - نیست، باز به خاطر می رسد که این مسلک نیز اعتماد را شایان نباشد.

بناء علی هذا، روز به روز حیرت بر حیرت که معظم امراض نفس نظری است می افزاید و به مقتضای «الغریق یتشبث بالحشیش» گاهی دست به حبل المتین برهان می زند؛ و گاهی در وادی عیان می پوید؛ و در هر دو حال تسکین در اضطراب و تشفی در التهاب نمی یابد بلکه آنآ فأنأ اضطراب بالتهاب و التهاب بر اضطراب می افزاید و نمی داند که در این میانه به کدام طرف مایل شود.

فتاده ام به میان دو دلبر و خجلم

مأمول آن که به مقتضای اشفاقی که آن مخدوم را به خادم و کامل را به ناقص می باشد بالطبع طریقه ارشاد را مسلوک داشته، رهنمای گمراهان شوند و در این باب اشاره ای چند از صواب به جواب بپردازند که شاید به این وسیله توفیق سعادت ابدی یافته، از ظلمتکده جهل خلاص شده، سالک مسالک حق گردد. ایشان را نیز به ازای این کرامت حظی از ثواب خواهد بود.

چون... ارشاد واجب است احتیاج به مبالغه در کلام نیست.

والسلام علی من اتبع الهدی.

چنانکه از این نامه بر می آید قاضی به لحاظ تعارضاتی که بین اهل عقل دیده مسلک عقلی و روش برهانی را شایسته اعتماد ندانسته است و چون همین معضل را در بین پیروان طریقه کشف و شهود دریافته است از این مشرب نیز ناامید شده است و به سرگردانی و حیرت در انتخاب راه گرفتار آمده است و به فیض که او را شایسته راهنمایی می دانسته متوسل شده تا راه بنماید و او را از حیرتی که در آن گرفتار آمده است برهاند.

نامه ۲ (پاسخ فیض به قاضی)

نامه شریف قره العین الحبيب فی الله میرزا محمد سعید - فتح الله عین قلبه بنور البصيرة - رسید و بعد از اطلاع بر مضمون آن مسرتی دست داد و مسائتی روی نمود. اما سبب مسرت اشتغال آن بر تیقظ و آگاهی آن برادر روحانی و تأسف ایشان بر فوت وقت و ضیاع سرمایه‌ای که به صرافت (۹) آن افتاده‌اند و داعیه وصول به کمال که در ایشان پدید آمده و درد طلب و شوق که روی نموده - زاده الله شوقاً و تعطشاً الیه - چه این دردی است که سرمایه همه درمانهاست و قفلی است که مفتاح کنوز سعادت دلها و روانهاست. غمی است که به دعا باید خواست و دردی است که به دوا تحصیل باید نمود.

کفر کافرا و دین دیندار را ذره‌ای درد دل عطار را
در ازمنه سابق اصحاب این درد بسیار بوده‌اند و طبیب آن کمیاب، و در این اعصار صاحب آن کمیاب است و طبیب آن مفقود.

دوای درد عاشق را مگر یابم نشان از کس
در این بازار در دکان هر عطار می‌گردم
نیامد برمنش رحمی طبیب عشق را هر چند
در این بازار عطاران من بیمار می‌گردم

اما سبب مسائت وقوع ایشان در بیداری حیرت نظار که به سبب تصادم شکوک و تعارض ادله می‌باشد، چه این حیرتی است مذموم و خلّقی است نامحمود، و الیه أشار الحلاج بقوله:

من رامه بالعقل مسترشداً أسرحه في حيرة يلهو
و شاب بالتلبیس أسراه يقول في حيرة هل هو
و حیرت محمود حیرت أولوالأبصار است که از توالی تجلیات و تتالی بارقات در مشاهدۀ کبریاء و عجائب ربوبیت حاصل می‌شود و الیه أشار من قال: «ربّ زدنی تحیراً فیک» و من قال:

قد تحیرت فیک خُذْ بیدی
یا دلیلاً لمن تحیر فیک
در تو حیرانم و اوصاف و معانی که تراست
و اندر آن کس که ترا بیند و حیران تو هست